

یادداشت

دست نامرئی در سیاستگذاری خارجی



اسلام ذوالقدرپور

کارشناس مسائل بین الملل

بخش مهمی از سیاستگذاری عمومی به ذینفعان پنهان تعلق دارد که بر تمام مراحل فرایند سیاستگذاری از شناسایی مسأله تا اجرای سیاست، اعمال نفوذ و نظر دارند. این ذینفعان پنهان را می توان مصداق همان نیروهای پنهان بازار آزاد (اقتصاد) دانست که در علم اقتصاد به دست نامرئی مشهور شده است، نظریه دست نامرئی Invisible hand آدام اسمیت که بر وجود و کارآمدی نیروهای پنهان در اقتصاد و بازار اصرار دارد که برقراری تعادل در اقتصاد با مدیریت منافع گوناگون و متضاد بازیگران اقتصادی در قالب عرضه و تقاضا را عملی می کنند، دست نامرئی نه تنها در سیاستگذاری و حکمرانی اقتصاد و بازار، بلکه در سیاستگذاری خارجی نیز قابل مشاهده و پیگیری است. سیاستگذاری خارجی از جمله بخش های سیاستگذاری عمومی است که دست نامرئی در آن مورد استفاده قرار گرفته و دارای اثربخشی است. سیاستگذاری خارجی، میدانی است که ذینفعان گوناگون آن دارای منافع و منابع متفاوت هستند که برقراری موازنه در اهداف و سیاست ها را بسیار سخت نشان می دهد، اما همان دست نامرئی سیاستگذاری است که با مدیریت منافع و منابع بازیگران، تعادل را برقرار و منافع جمعی را بر منافع فردی پیروز می سازد. دست نامرئی اگر چه از سوی آدام اسمیت و سایر اقتصاددانان بازار آزاد مورد استفاده و تأکید قرار می گیرد، اما در سیاستگذاری عمومی به ویژه سیاستگذاری خارجی کاربردهای بی شماری دارد. فرایند صلح خلیج فارس که بر اصل احیای روابط دیپلماتیک ایران و اعراب به ویژه عربستان بنیان شده و ستون میانی آن نیز چین و روسیه هستند، یکی از سیاست هایی است که دست نامرئی (بازیگر نامرئی) در آن دخالت دارد، منافع و نیت نهایی آن را می توان در قالب دست نامرئی سیاستگذاری چنین تحلیل کرد: نخست اینکه، ایران و عربستان را نباید صلح میان دو کشور یا دو دولت منطقه قلمداد کرد، زیرا این دو کشور به عنوان کانون های قدرت جهان اسلام، دارای طرفداران و حامیان اقماری خود در جهان اسلام هستند که در وضعیت تقابل ایدئولوژیک قرار گرفته بودند. در شرایطی که کشورهای بزرگ جهان اسلام مانند پاکستان، مصر، اندونزی، نیجریه و... درگیر مسائل و بحران های اقتصادی، اجتماعی و... هستند و توان و منابع نمایش قدرت در نظام جهانی را ندارند تنها سه بازیگر مهم جهان اسلام یعنی ایران، ترکیه و عربستان توانایی حضور در سطح اول نظام جهانی و روابط بین الملل را دارند و این توانایی را عملیاتی می کنند. احیای روابط ایران و عربستان را می توان صلح جهان اسلام و تعادل قدرت های اسلامی دانست که دست نامرئی آن، تبدیل منافع شخصی و فردی بازیگران به منافع جمعی جهان اسلام و منطقه خلیج فارس در جهان آشوبناک و جنگ زده کنونی است. دوم اینکه، تحولات موسم به بهار عربی طی یک دهه اخیر، فشاری مضاعف بر قدرت های بزرگ جهان اسلام به ویژه ایران، ترکیه و عربستان وارد کرده و تنش میان این سه قدرت بزرگ منطقه ای را نیز افزایش داده و عمیق تر کرده بود. مداخله فراگیر و خشنوت فرین ترکیه و عربستان در تحولات بهار عربی که رویکردی سخت و نظامی به خصوص در سوریه، یمن، لیبی، عراق و... داشت، تقابل شدید منافع راهبردی این دو کشور با ایران را سبب شد. این تقابل و تعارض منافع راهبردی در قدرت های بزرگ جهان اسلام موجب تضعیف اقتدار آنان در نظام جهانی شد. عربستان که در گردابی از چالش ها، تنش ها و بحران های خارجی و بین المللی مانند جنگ یمن، ترور جمال خاشقچی، حملات پنهانی به تأسیسات نفتی خود، تنش بزرگ با قطر و... گرفتار شده بود، برای گریز از این وضعیت به سیاست کاهش تنش منطقه ای را رویکرد تنش زدایی با ایران رو آورد. این سیاست تنش زدایی منطقه ای به صورت همزمان بر احیا و تقویت روابط با ایران، قطر و ترکیه استوار بود اما یک محور نهانی نیز داشت که همان عادی سازی روابط با اسرائیل بود. دست نامرئی سیاستگذاری خارجی که فرایند صلح خلیج فارس را تسهیل و موفق ساخت، سیاست عادی سازی روابط با اسرائیل است که حکمرانی عربستان را به رفع چالش ها و تنش های پیش روی اجرای سیاست عادی سازی روابط با اسرائیل مجبور ساخت. کاهش تنش ها و احیای روابط با همسایگان به ویژه ایران را می توان پیش شرط سیاست عادی سازی روابط با اسرائیل از سوی عربستان محسوب کرد که شرایط را برای صلح با اسرائیل با کمترین هزینه و تنش ایدئولوژیک در جهان اسلام فراهم می کند، سوم اینکه، فرایند صلح فراگیر در غرب آسیا که بر افزایش منابع و منافع راهبردی خود در نظام جهانی و منطقه ای تمرکز کردند. سیاستگذاری خارجی را بدون دستان نامرئی با بازیگران پنهان نمی توان بررسی و تحلیل کرد.

خبر

آمادگی سپاه برای اعزام گروه های امدادی

سخنگوی سپاه گفت: با دستور سرلشکر سلامی بخش های امدادی و درمانی سپاه آماده مشارکت در امدادرسانی به زلزله زدگان افغانستانی هستند. در پی زلزله ۶/۳ ریشتری چند روز قبل در شمال غرب به شهر هرات و ولایات همجوار این شهر در افغانستان سردار رمضان شریف سخنگو و مسئول روابط عمومی کل سپاه ضمن ابراز همدردی با مردم مظلوم و مسلمان افغانستان به ویژه خانواده های قربانیان و خسارت دیدگان زلزله اخیر، گفت: با دستور سرلشکر سلامی فرمانده کل سپاه مبنی بر امدادرسانی به زلزله زدگان افغانستانی، یگان های امدادی و درمانی سپاه و بسیج آماده هستند تا در صورت درخواست مقامات کابل در چارچوب همکاری های انسان دوستانه و بر اساس آموزه های اسلامی به کمک مردم زلزله زده و آسیب دیده از زلزله اخیر بشتابند. وی افزود: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همواره در مصائب و بلاهای طبیعی مانند سیل و زلزله علاوه بر کشور عزیزمان در صورت نیاز به مردم سایر کشورهای دیگر به ویژه کشورهای منطقه که با مصائبی چون زلزله مواجه شده اند یاری رسانده است.

سیدرضااکرمی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

اصلاح طلبی و اصولگرایی کارکرد خود را از دست داده است

شورای نگهبان سه صدر بیشتری

در انتخابات آینده نشان بدهد

باید واقع بینانه با انتخابات امسال

برخورد کرد

آرمان ملی – احسان انصاری: حجت الاسلام سیدرضااکرمی، عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز، دبیر سابق جامعه وعاظ تهران و نماینده پنج دوره مجلس شورای اسلامی از شهرهای سمنان و تهران است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی چشم انداز انتخابات آینده با وی گفت و گو کرده است. اکرمی معتقد است: «واقعیت این است که اصلاح طلبی و اصولگرایی دیگر در کشور کارکرد خود را از دست داده و معنای سیاسی و فکری ندارد و تنها عبارت هایی است که گروه های سیاسی در مورد خود به کار می برند. اگر امروز از کسانی که قصد دارند در انتخابات مشارکت کنند این سوال پرسیده شود که اصلاح طلب هستند یا اصولگرا اغلب آنها به این سوال پاسخی نمی دهند و عنوان می کنند نسبت به این عبارات بی اهمیت هستند. این وضعیت نشان می دهد که جریان های سیاسی دیگر مانند گذشته تأثیرگذار نیستند، بلکه تأثیرگذاری خود را از دست داده اند.» در ادامه ماحصل این گفت و گو را می خوانید.

جریان های سیاسی به چه میزان از این توانایی برخوردار هستند که بتوانند در ماه های آینده شرایط را برای مشارکت بیشتر در انتخابات به وجود بیاورند؟ در شرایط کنونی برخی اقدامات باید صورت بگیرد که شرایط برای مشارکت بالای مردم در انتخابات به وجود بیاید. نخست اینکه باید این موضوع را با افکار عمومی جامعه در میان بگذاریم که انتخابات آینده مهم است و به همین دلیل اقبال مختلف جامعه باید در این انتخابات حضور پیدا کنند. همه مردم از هر نوع گرایش و طرز تفکری هستند باید نسبت به سرنوشت کشور و جامعه حساس باشند که بهترین وجه این حساسیت حضور در انتخابات است. اولین انتخاباتی که پس از انقلاب در فروردین ۱۳۵۸ برگزار شد همراه با ۹۸ درصد مشارکت مردم بود. به همین دلیل ما باید تلاش کنیم شرایطی را به وجود بیاوریم که زمینه مشارکت مردم در انتخابات به وجود بیاید و شاهد یک انتخابات باشکوه در کشور باشیم. نکته دیگر انتخاب افراد صالح و شایسته برای حضور در انتخابات است. در شرایط کنونی عده ای در انتخابات ثبت نام کرده اند. با این وجود مردم باید تحقیق و بررسی کنند و بهترین افراد را به عنوان نماینده خود انتخاب کنند. تنها در چنین شرایطی است که می توان نسبت به شکل گیری یک مجلس کارآمد خوش بین بود. نکته دیگر اینکه همه ما موظف هستیم با تشریح شرایط کشور برای دیگران آنها را برای حضور در انتخابات تشویق کنیم. در واقع نباید نسبت به انتخابات آینده بی تفاوت باشیم.

اصلاح طلبان از این مسأله گلیه دارند که نهادهای نظارتی اجازه نمی دهند چهره های اصلی آنها در انتخابات حضور داشته باشند. با توجه به شرایط موجود کشور چه توصیه ای به نهادهای نظارتی دارید؟ واقعیت این است که اصلاح طلبی و اصولگرایی دیگر در کشور کارکرد خود را از دست داده و معنای سیاسی و فکری ندارد و تنها عبارت هایی است که گروه های سیاسی در مورد خود به کار می برند. اگر امروز از کسانی که قصد دارند در انتخابات مشارکت کنند این سوال پرسیده شود که اصلاح طلب هستند یا اصولگرا اغلب آنها به این سوال پاسخی نمی دهند و عنوان می کنند نسبت به این عبارات بی اهمیت هستند. این وضعیت نشان می دهد که جریان های سیاسی دیگر مانند گذشته تأثیرگذار نیستند و بلکه تأثیرگذاری خود را از دست داده اند. نکته دیگر اینکه به دلیل فقدان احزاب و تشکلهای سازمان یافته در کشور شرایط انتخابات به شکلی نیست که کاندیداها با برنامه وارد انتخابات شوند. به همین دلیل اغلب انتخاباتی که ما تاکنون برگزار کرده ایم شکل فصلی و موقی دارد. تنها در نزدیکی زمان انتخابات افراد به صحنه می آیند و خود را به عنوان کاندید مطرح می کنند. این در حالی است که اگر کاندیدای مجلس به وسیله احزاب و با برنامه به جامعه معرفی می شدند انتخابات از شکل فصلی و موقی خارج می شد و شکل جدی تری به خود می گرفت. نکته دیگر اینکه هنوز نمی توان درباره نتیجه انتخابات و فضایی که قرار است در انتخابات شکل



واقعیت این است که اصلاح طلبی و اصولگرایی دیگر در کشور کارکرد خود را از دست داده و معنای سیاسی و فکری ندارد و تنها عبارت هایی است که گروه های سیاسی در مورد خود به کار می برند. اگر امروز از کسانی که قصد دارند در انتخابات مشارکت کنند این سوال پرسیده شود که اصلاح طلب هستند یا اصولگرا اغلب آنها به این سوال پاسخی نمی دهند و عنوان می کنند نسبت به این عبارات بی اهمیت هستند. این وضعیت نشان می دهد که جریان های سیاسی دیگر مانند گذشته تأثیرگذار نیستند

در شرایط کنونی مهم ترین دغدغه مردم مشکلات معیشتی است. دولت برای افزایش میزان مشارکت مردم در انتخابات به چه میزان نسبت به این موضوع و حل مشکلات آنها اهتمام داشته است؟

موضوع گرانی همواره در کشور بوده است. بنده به خاطر دارم در دهه ۶۰ نیز یکی از مهم ترین مشکلات کشور گرانی و تورم بود و به همین دلیل تصمیمات زیادی در این باره گرفته شد. اشکال اساسی در این زمینه این است که اقتصاد ایران از یک طرف دولتی است و از طرف دیگر متکی به نفت است. این در حالی است که باید بخش خصوصی در زمینه اقتصادی فعالیت بیشتری داشته باشد و مدیریت کار را به دست بگیرد. در چنین شرایطی نیز دولت باید وظیفه نظارتی داشته باشد. در شرایط کنونی نیز ما با دو بحران تحریم و ناآرامی مواجه هستیم که هر کدام در اقتصاد کشور تأثیر منفی گذاشته است. در چنین شرایطی به نظر می رسد باید مردم را به صحنه بیاوریم و با کمک مردم مشکل اقتصاد را حل کنیم. در شرایط کنونی مردم با شرایط سختی زندگی خود را می گذرانند. باید مشخص شود چرا برخی کالاها یکباره قیمت نجومی پیدا می کند و چه دست هایی در پشت پرده وجود دارد. باید دلیل این مسائل مشخص شود و نتایج آن به مردم ارائه شود. در چنین شرایطی مسئولان کشور و به خصوص مجلس و دولت به جای اینکه پشت سر هم حرف بزنند رودررو باهم گفت و گو کنند و به نتیجه منطقی دست پیدا کنند. چشمانداز و مسئولیت هایی که امروز در مقابل نمایندگان مجلس وجود دارد با زمانی که ما در مجلس حضور داشتیم از بسیاری جهات متفاوت است. در شرایط کنونی مهم ترین مشکلات کشور تحریم های بین المللی و همچنین مشکلات اقتصادی مردم است که باید برای آن چاره اندیشی کرد. همه مسئولان باید براساس قانون عمل کنند. در چنین شرایطی مشکلات مردم باید به حل مشکلات کشور امیدوار بود. امروز کشور با مشکلات مختلف داخلی و خارجی مواجه است. به همین دلیل برخی مسئولان باید بیش از آنکه به دنبال فرافکنی و متهم کردن یکدیگر باشند با وحدت رویه عمل کنند تا این مشکلات کاهش پیدا کند. با گفتار درمانی و شعاردرمانی که مشکلات کشور حل نمی شود. دوران گفتاردرمانی و شعاردرمانی به سر آمده است. مشکلات کشور نیاز به عمل درمانی دارد. امروز مهم ترین مشکلات مردم کشور مسائل اقتصادی است. در مرحله نخست باید مشکلات معیشتی مردم را به دو قسمت تقسیم کرد. بخش نخست مربوط به مشکلات خارجی است که عمدتاً نیز به واردات و صادرات باز می گردد و بخش دوم نیز به سوء مدیریت های داخل کشور ارتباط پیدا می کند. نباید همه مشکلات معیشتی را به رویکرد سیاست خارجی کشور گره زد و بلکه باید واقع بینانه به قضیه نگاه کرد. ما باید این نکته را بپذیریم که در درون کشور استعدادها و ظرفیت های زیادی وجود دارد که هنوز نتوانسته ایم به خوبی از آنها استفاده کنیم.

در شرایط کنونی برخی اقدامات باید صورت بگیرد که شرایط برای مشارکت بالای مردم در انتخابات به وجود بیاید. نخست اینکه باید این موضوع را با افکار عمومی جامعه در میان بگذاریم که انتخابات آینده مهم است و به همین دلیل اقبال مختلف جامعه باید در این انتخابات حضور پیدا کنند. همه مردم از هر نوع گرایش و طرز تفکری هستند باید نسبت به سرنوشت کشور و جامعه حساس باشند که بهترین وجه این حساسیت حضور در انتخابات است

نگره

تکرار سناریوی برجام خوب و برجام بد

این بار درباره FATF

در روزهایی که تیم مذاکره کننده ابراهیم رئیسی در حال مذاکرات احیای این توافق بود، صدایی از مخالفان اصولگرا شنیده نمی شد. به نظر می رسد همین داستان درباره پذیرش FATF نیز در حال تکرار است. اگر چه سرنوشت تصویب این لوایح در دست مجمع تشخیص است، اما خبرهای ضد و نقیض و تغییر ادبیات رسمی در قبال این لوایح و پذیرش کنواسیون FATF نشان از تکرار بازی برجام در دولت روحانی و دولت رئیسی دارد.

بن بست FATF

دولت ابراهیم رئیسی از ابتدای آغاز به کار با امید به اینکه نیازی به احیای برجام یا پذیرفتن FATF نداشته باشد تمرکز خود را بر کشورهای منطقه گذاشت و تور سفر کاری در ارتباط با کشورهای آفریقایی نیز تعریف کرد. با این وجود بعد از عضویت رسمی در بریکس اردیبهشت ماه سال جاری، وزیران اقتصاد و دارایی و روسای بانک های مرکزی گروه هفت در بیانیه خود، ضمن انتقاد شدید از کره شمالی و روسیه در کنار ایران، بر «تقویت جایگاه گروه ویژه اقدام مالی در مورد پولشویی (فانی. اف) و نهادهای مشابه» تأکید کرده و این نهادها را ضامن یکپارچگی و سلامت نظام مالی جهان خواندند. در واقع، بیانیه هفت کشور صنعتی در مورد آنچه «خطر مبادلات مالی نامشروع» خواندند و تأکید بر ادامه مقابله با «دور زدن یا تضعیف تحریم های وضع شده»، هشدار به کشورهای جنوب حوزه خلیج فارس است که بدون پیوستن ایران به معاهدات گروه اقدام ویژه مالی، از مبادلات گسترده با آن خودداری کنند. به نظر نمی رسد کشورهای منطقه برای عادی سازی تجارت خود با ایران، حاضر به نادیده گرفتن هشدار گروه هفت کشور صنعتی شوند و بدون پیوستن ایران به معاهدات گروه اقدام ویژه مالی به خصوص FATF، تجارت با آن را به طرز معناداری گسترش دهند، زیرا بی توجهی به این موضوع، اقتصاد خودشان را در معرض تهدید و تحریم بین المللی قرار می دهد. بنابراین، پس از بازگشایی رسمی سفارتخانه های ایران و عربستان در ریاض و تهران، هرگونه گفت و گو بین دو کشور برای ارتقای روابط اقتصادی به مسأله FATF برخواورد می کند. بالطبع سعودی ها در مقابل هرگونه درخواست طرف ایرانی برای ارتقای روابط اقتصادی، مانع پیوستن جمهوری اسلامی به FATF را روی میز خواهند گذاشت و خواهان توجه ایران به این «مشکل بزرگ» خواهند شد. از این جهت، دولت ابراهیم رئیسی ناچار است در مورد پذیرش یا عدم پذیرش تمام معاهدات گروه اقدام ویژه مالی به خصوص FATF تصمیم بگیرد. کمتر از یک ماه پیش، سید محمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت که برخی مسئولان در کدرستی از مسائل ایران ندارند یا هنوز به این درک نرسیده اند که سفر به عراق به مراتب مشترک ایران و عراق، آذرماه سال گذشته ارتباطات بین الملل و مسائلی نظیر FATF ارتباط دارد. تا این اقدام تبعات زیادی برای ارتباطات مالی بین المللی دارد، چنانکه جهانبخش سجایی، دبیر اتاق مشترک ایران و عراق، آذرماه سال گذشته اعلام کرده بود که عراق به دلیل تحریم های بین المللی علیه جمهوری اسلامی و عضو نبودن ایران در FATF، دیگر به همکاری اقتصادی مستقیم با تهران تمایلی ندارد. این در حالی است که دولت بغداد در سال های اخیر، به اصلی ترین واردکننده کالاهای ایرانی تبدیل شده بود و برقی ایران نیز به این کشور صادر می شد.

مجلس یازدهم و FATF

اسفندماه سال ۱۳۹۹ محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام از پیشنهادات جدید مجلس شورای اسلامی درباره لوایح در ارتباط با گروه ویژه اقدام مالی خبر داد. به زبان ساده مجلس یازدهمی ها از مجمع تشخیص مصلحت نظام درخواست کردند که لوایح را به مجلس بازگردانند. گویا ماجرا از این قرار بوده است که مجتبی ذوالنوری، به عنوان رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس که در جلسات مجمع حضور داشته، از مجمع درخواست کرده تا CFT و پارامو به منظور بررسی مجدد به مجلس برگردند که البته با مخالفت جمعی ها رویه ر شده است. دلیل اعضای مجمع برای رد این پیشنهاد نیز، مغایرت خواسته مجلس یازدهمی ها با قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه است، چراکه بر اساس قانون، مجمع نمی تواند موضوع اختیاری را برای بررسی بیشتر به مجلس برگرداند و فقط و فقط باید میان نظرات مجلس و شورای نگهبان یکی را انتخاب کند.

روحانی چه لایوچی به مجلس داد؟

مجلس در سال ۱۳۸۶ قانون مبارزه با پولشویی را تصویب و مصادیق پولشویی را مشخص کرده است. این قانون که مشتمل بر ۱۲ ماده و ۷ تبصره است، در جلسه علنی روز سه شنبه ۲ بهمن ۱۳۸۶ مجلس تصویب شد و در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید. قانونی که شرایط خاصی را برای فعالیت های اقتصادی تعیین کرده که با انجام آن ها از فعالیت های پولشویی جلوگیری می شود. دولت حسن روحانی لوایح گانه ای را براساس توصیه های گروه ویژه اقدام مالی تنظیم کرد: اصلاح قانون مبارزه با پولشویی؛ اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم؛ پیوستن ایران به کنواسیون سازمان ملل برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی (پارامو)؛ پیوستن ایران به کنواسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (سی اف تی)؛ لوایح اول و دوم تصویب شده اند، اما لوایح سوم و چهارم در مجلس تصویب و در شورای نگهبان رد شدند و پس از آن، مدت ها است که در مجمع تشخیص مصلحت نظام با تکلیف مانده اند. با تصویب نشدن این دو لایحه، گروه ویژه اقدام مالی از دوم اسفند ماه ۱۳۹۸، نام ایران را به دلیل عمل نکردن به اقدام های لازم برای شفافیت مالی، در فهرست سیاه خود قرار داد.